



The Indicators of Spiritual Well-being in the Statement of the Second Step of the Islamic Revolution from the Perspective of the Quran and Hadith *

Hassan Roshan¹ and Abbas Ali Vashian² and Seyyeda Iffat Hosseini³

Abstract



Spiritual well-being involves finding meaning and purpose in the fourfold relationships between humans and God, oneself, creation, and creatures to achieve a unified monotheistic system of belief, inclination, and action that makes life purposeful. The statement of the Second Step of the Islamic Revolution, with a special focus on spirituality and its role in the growth of Islamic society and civilization, provides indicators of spiritual well-being in the dimensions of insight, inclination, and action, which are based on verses and hadiths. This paper compiles and categorizes these indicators through collecting and categorizing all relevant verses and hadiths and systematically deducing them using a descriptive-analytical method based on the Quranic verses and hadiths. The findings indicate that the indicators of insight include belief in monotheism, spiritual self-awareness, recognition of the position and value of the family, enmity towards evil, and belief in the purposefulness and meaningfulness of nature. In terms of inclinational indicators, one can refer to inclinations towards virtues and distance from vices, hope in God, and altruism. The behavioral indicators include assisting the needy, servitude to God, and practical manifestations of self-struggle (jihad against the self).

Keywords: Statement of the Second Step, Second Step of the Revolution, Spiritual Well-being, Spirituality, Indicators.

*. **Date of Receiving:** 22/09/2022, **Date of Approving:** 08/11/2023.

1. PhD, Al-Mustafa International University, Qom (Corresponding Author): elmvaamal@yahoo.com.

2. Specialized Doctorate, Assistant Professor, HoD of the Quran and Health Department, Al-Mustafa International University: sadra251@gmail.com.

3. PhD in Sociology, Research Institute of Hawzeh and University: elmvaakhlaq@yahoo.com.



شاخص‌های سلامت معنوی در بیانیه گام دوم انقلاب از منظر قرآن و حدیث*

حسن روشن^۱ و عباس علی واشیان^۲ و سیده عفت حسینی^۳



چکیده

سلامت معنوی، معنایابی و معنابخشی به روابط چهارگانه انسان با خدا، خود، خلقت و خلق برای رسیدن به نظام باور، گرایش و عمل یکپارچه توحیدی است که زندگی را هدفمند می‌سازد. بیانیه گام دوم انقلاب با نگاهی ویژه به معنویت و نقش آن در رشد جامعه و تمدن اسلامی، شاخص‌های سلامت معنوی را در ساحت‌های بینش، گرایش، و کنش در اختیار قرار می‌دهد که مستند به آیات و احادیث هستند. نوشتار پیش روی، این شاخص‌ها را از طریق جمع‌آوری و دسته‌بندی تمام آیات و روایات مربوط و استنتاج روشمند آنها و با کمک روش توصیفی - تحلیلی بر اساس آیات و احادیث، مستندسازی و تحلیل کرد. یافته‌ها نشان داد شاخص‌های بینشی شامل باور توحیدی، خودآگاهی معنوی، شناخت جایگاه و ارزش خانواده، دشمن شناسی، و باور به هدفمندی و معناداری طبیعت هستند. در بُعد شاخص‌های گرایشی می‌توان به گرایش به فضائل و دوری از رذائل، امیدورزی به خداوند، و دیگردوستی اشاره کرد. شاخص‌های کنشی عبارتند از دستگیری از نیازمندان، بندگی خداوند، و جلوه‌های عملی جهاد با نفس.

واژگان کلیدی: بیانیه گام دوم، گام دوم انقلاب، سلامت معنوی، معنویت، شاخص.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۱ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۸/۱۷.

۱. دانش آموخته دکتری جامعه المصطفی ص العالمیه قم (نویسنده مسئول): elmvaamal@yahoo.com.

۲. دکتری تخصصی استادیار مدیر گروه قرآن و بهداشت و سلامت جامعه المصطفی ص العالمیه: sadra251@gmail.com.

۳. دکتری جامعه‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم: elmvaakhlaq@yahoo.com.



۱. مقدمه

در سال‌های اخیر، توجه به امور معنوی و گرایش به معنویت در میان مردم کشورهای جهان روبه افزایش رفته است و شور و گرایش مردم به معنویت‌گرایی، افق جدیدی را از سلامت معنوی پیش روی کارشناسان و صاحب نظران امر سلامت در جهان گشوده است به طوری که از تکنیک‌ها و مهارت‌های معنوی به عنوان روش درمانی مکمل در کنار متدهای درمانی مدرن بهره می‌برند. حضور کشیشان مسیحی در لباس مراقبان معنوی در بیمارستان‌های دنیا خبر از عصری جدید در توسعه درمان و سلامت می‌دهد و ضرورت بهره‌گیری صحیح از دین و اصول معنوی برگرفته از آن را بیش از قبل منعکس می‌کند.

دین پر فروغ اسلام که از ابتدای ظهور خود همواره از شعار تعالی خواهی و کمال انسان دم زده است و معنای حقیقی و هدفمندی زندگی انسان را در پیوند با آهنگ توحید و اتصال به وحی با پرچمداری هدایت رسالت و امامت می‌بیند، بیش از هر آیین دیگری دغدغه سلامت معنوی انسان را دارد و با جامعیت و غنای معارف معنوی ناب خویش، سلامت معنوی را برتر از سایر ابعاد سلامت و به مثابه جزئی فراگیر بر سر آنها می‌بیند. از این رو شاخص‌هایی در بعد بینش، گرایش و کنش از طریق آیات و احادیث در اختیار قرار داده است.

در سال‌های اخیر رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) در مناسبت‌های مختلف به مصادیق و مؤلفه‌های معنویت و سلامت معنوی اشاره می‌کردند. بیانیه گام دوم انقلاب که در سال ۱۳۹۷ توسط ایشان منتشر شد، مهم‌ترین و بهترین مجال را برای تبیین دقیق‌تر سلامت معنوی و شاخص‌های آن توسط معظم له به خود اختصاص داد.

نظر به اهمیت یافتن جایگاه مفهوم سلامت معنوی در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، همگام با وقوع تحولات گسترده در جهان و بازتاب آن در زندگی مردم ایران، رهبر معظم انقلاب در این بیانیه، معنویت را «برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه» تعریف کردند و همراهی آن با اخلاق را «جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه» بیان کردند. ایشان در این زمینه فرمودند: «بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند.»

این بیانات و بیانات مشابه که در مناسبت‌های دیگر از ایشان شنیده شده است حاکی از آن است که معنویت به منزله بالی برای جامعه است. همان‌گونه که یک پرنده بدون بال، اساساً کارکرد خود را از دست می‌دهد و حتی یک بال نیز نمی‌تواند نیاز و هدف او از حیات را محقق سازد، جامعه اسلامی

بدون اخلاق و معنویت در کنار یکدیگر، جامعه‌ای است که با وجود ثروت‌های مادی، باز هم نمی‌تواند محیط مناسب برای رشد و اعتلای انسان باشد. بنابراین توصیف چنین جامعه‌ای به «جهنم» زیباترین توصیف و حاکی از سرنوشت ساز بودن وجود معنویت برای حرکت جامعه اسلامی به سمت تمدن اسلامی است.

وجه دیگر اهمیت سلامت معنوی از نگاه بیانیه گام دوم انقلاب، سرعت فزاینده دستگاه‌های رسانه‌ای دنیا در اطلاع‌رسانی و بمباران تبلیغاتی فراگیر آنهاست که دقیقاً در جهت خلاف اخلاق و معنویت عمل می‌کنند و به تعبیر مقام معظم رهبری به «کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق» بدل گشته‌اند. رسانه‌ها و بنگاه‌های خبر پراکنی دنیا هم می‌تواند در جهت معنویت و هم در خلاف جهت معنویت ایفای وظیفه کند. رهبر انقلاب در بیاناتی دیگر با اشاره به این کارکرد دوجویی، فرمودند:

«امروز رسانه‌ها در دنیا فکر، فرهنگ، رفتار و در حقیقت هویت فرهنگی انسان‌ها را القاء می‌کنند و تعیین‌کننده هستند. رسانه‌ها می‌توانند در بهبود وضعیت زندگی انسان مؤثر باشند؛ می‌توانند در گسترش صلح و امنیت جهانی مؤثر باشند؛ می‌توانند در ارتقای اخلاق و معنویت در میان انسان‌ها مؤثر باشند و می‌توانند انسان‌ها را خوشبخت‌تر کنند؛ متقابلاً می‌توانند وسیله برافروختن جنگ‌های خانمان‌سوز باشند...» (بیانات در دیدار مدیران و برنامه‌سازان رسانه‌ای کشورهای مختلف، ۱۳۸۵/۲/۲۶).

نظر به نقش رسانه‌ها در آراستن جامعه به زیور معنویت و یا دورکردن آن از سلامت معنوی، می‌توان وجه دیگری برای اهمیت و ضرورت تبیین شاخص‌های سلامت معنوی در بیانیه گام دوم و مستندسازی آن به آیات و احادیث بیان کرد: از آن جهت که رسانه‌ها با معنا و بازآفرینی و انتقال معانی تصاویر و اخبار در ارتباط‌اند بهترین کانون برای رشد یا افول سلامت معنوی محسوب می‌شوند. رهبر انقلاب با چنین حساسیتی، از وجود این پیوند مهم بین رسانه‌ها و سلامت معنوی خبر داده‌اند.

دست یازیدن انسان مدرن به نمادها و معانی مادی و گمراه‌کننده برای یافتن معنا و هدف نه‌تنها او را به آرامش حقیقی رسانده است؛ بلکه در کوران هجوم معنویت‌های نوظهور و کاذب، او را به سمت نوعی تزلزل هویتی و از خودبیگانگی کشانده است. قرآن کریم خبر از چنین رویدادی داده است آنجا که می‌فرماید: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَسْأَلُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ﴾ (حشر/۱۹)؛ «و همانند آنان نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا هم آنان را نسبت به خودشان دچار فراموشی کرد.»

مسئله سلامت معنوی از آنجا که با ساحت‌های گوناگونی مرتبط بوده و احاطه به همه ابعاد آن از فهم و درک بشر خارج است، ضرورت رجوع به آموزه‌های اصیل دینی برای یافتن شاخص‌های آن را دوچندان می‌کند. نوشتار پیش روی به مستندسازی دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم پیرامون شاخص‌های سلامت معنوی بر اساس آیات و احادیث می‌پردازد.



۲. مفهوم‌شناسی

در این قسمت مفاهیم کلیدی پژوهش شامل بیانیه گام دوم انقلاب، شاخص، و سلامت معنوی از نظر لغوی و اصطلاحی تعریف می‌شوند.

الف. بیانیه گام دوم

بیانیه معادل واژه انگلیسی statement یا manifestation است که در فرهنگ‌های فارسی با واژه‌های بیان‌نامه، اطلاعیه، اظهارنامه، آگهی و... مترادف در نظر گرفته شده است. در جایی دیگر برای معنای آن نوشته شده است: اطلاعیه یا نوشته‌ای که از سوی سازمان، حزب یا شخص مسئولی صادر شود. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در اصطلاح، ازجمله اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران است که رهبر معظم انقلاب به مناسبت فرارسیدن چهل سالگی انقلاب اسلامی ایران، در سال ۱۳۹۷ خطاب به ملت ایران صادر کردند و در آن دستاوردهای چهل ساله انقلاب اسلامی ایران و نقشه راه حرکت به سمت آینده‌ای روشن و زمینه‌سازی برای تمدن نوین اسلامی را خاطر نشان کردند.

ب. شاخص

شاخص از ریشه «شَخَصَ» در زبان فارسی به معانی مختلفی به کار رفته است: برآمده، مرتفع، چشمگیر، برجسته، پارامتر، خط‌کش مدرج برای نقشه برداری (عمید، فرهنگ عمید، ۱۳۸۹: ۲۷۳/۲؛ دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۸۱: ۸/ ۱۲۳۱۱). این واژه معادل واژه انگلیسی index است و یکی از کاربردهای گسترده آن در علم آمار است.

مراد از شاخص، معیاری است که به‌وسیله آنها می‌توان کمیت، کیفیت و یا سقوط یک موضوع را اندازه‌گیری کرد. از آنجاکه بررسی و تجزیه و تحلیل موضوعات نیازمند اطلاعات مناسب است، شاخص‌ها اولین مجموعه اطلاعات در مورد هر موضوع را به دست می‌دهند و درواقع، نخستین پل ارتباطی کارشناس با موضوع مدنظر است. تأثیر گسترده شاخص‌ها در شناخت موضوعات و به‌تبع آن در ارزیابی و برنامه‌ریزی، ضرورت اهتمام و دقت کافی در تعیین شاخص‌ها را روشن می‌سازد (صالحی‌امیری و محمدی، دیپلماسی فرهنگی، ۱۳۸۹: ۲۲۶).

شاخص‌های سلامت معنوی در حقیقت به‌منزله خط‌کشی هستند که شناخت دقیقی از سلامت معنوی می‌دهند و کمیت و کیفیت سلامت معنوی را با نگاهی و حیانی نشان می‌دهند. با استخراج شاخص‌های سلامت معنوی، وضعیت موجود رصد می‌شود، وضعیت مطلوب طراحی می‌شود و بر اساس آن فاصله وضعیت موجود از وضعیت مطلوب تخمین و راهبردهایی مشخص و بر اساس راهکارهایی به مرحله عملیاتی برسد (واشیان، شاخص‌های سلامت معنوی در سند سلامت، ۱۳۹۶: ۸۳).

ج. سلامت معنوی

سلامت معنوی از ترکیب دو مفهوم «سلامت» و «معنوی» به دست آمده است. سلامت، مصدري است فارسی است به معنای سالم بودن، که در فرهنگ‌های لغت فارسی به معانی بی‌گزند شدن، بی‌عیب شدن، تندرستی و عافیت به کار رفته است. این واژه معادل با بهداشت نیز به کار می‌رود؛ زیرا «بهداشت» در لغت به معنای نگهداشتن، تندرستی و پیشگیری آمده است. در زبان عربی، معادل بهداشت و سلامتی، واژگانی نظیر صحت، وقایة الجسم، حفظ الصحة؛ سلامة الجسم، صحة البدن و العافیة آمده است (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۷۸/۵۹).

معنوی در زبان عربی، اسم منسوب و از معنا گرفته شده است. معنویت در انگلیسی از ریشه لاتین spiritus به معنای تنفس یا نفس کشیده گرفته شده است. در زبان لاتین از Spiritual به معنای معنوی و روحانی یا غیرمادی تعبیر می‌شود. معنویت از منظر رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم، از شعارهای جهانی انقلاب اسلامی و دارای مصادیق متعددی از قبیل ذکر و دعا و روحیه برادری و ایثار، اعتکاف، و نماز و حج و روزه‌داری و پیاده‌روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب و در یک کلام، ایمان دینی است. بنابراین می‌توان سلامت معنوی را نیز با اتخاذ این نگاه و در ارتباط با خود، خداوند، خلقت و خلق، تعریف کرد (صالحی زاده و محمدی، نقش اعتدال والدین در سلامت روان فرزندان از منظر قرآن و روایات، ۱۴۰۱، ۴۹).

۳. پیشینه تحقیق

بحث از سلامت، تعاریف و رویکردهای آن قدمتی به بلندای چند هزار سال دارد و پیشینه آن را به حدود ۳۹۰۰ سال قبل از میلاد مسیح برگردانده‌اند. حساسیت و پیگیری جمعی انسان‌ها نسبت به مقوله سلامت باعث شد بعد از ده‌ها قرن نهایتاً مقارن با پایان یافتن جنگ جهانی دوم، اساسنامه سازمان جهانی بهداشت تصویب شود و این سازمان از ۱۹۴۸ رسماً آغاز به کار کند. در ابتدا سه بُعد برای سلامت تصور شده بود: سلامت جسمی، روانی و اجتماعی؛ اما به تدریج بعد دیگری به نام سلامت معنوی نیز وارد ادبیات پزشکی گردید.

اگر سلامت جسمی از ضرورت توجه به سبک تغذیه، خواب، مراقبت از بدن، ورزش، محیط زیست سالم، شرایط سالم کاری، و امنیت صحبت می‌کند؛ اگر سلامت روانی از عشق، دوستی، اعتماد به نفس و پرورش حالات مثبت روان شناختی حرف می‌زند؛ اگر سلامت اجتماعی، از نحوه ارتباط سالم با جامعه، توانایی تعامل مؤثر با افراد دیگر و محیط اجتماعی، رضایت‌مندی از روابط بین فردی و ایفای نقش دم می‌زند؛ سلامت معنوی، فراتر از همه اینها، بعد روحانی وجود انسان را هدف گرفته است و در ارتباط با خود، خدا، دیگران و امور مقدس، معنا پیدا می‌کند.



در سال‌های اخیر، توجه به امور معنوی و گرایش به معنویت‌گرایی، افق جدیدی را از سلامت معنوی پیش روی کارشناسان و صاحب نظران امر سلامت در جهان گشوده است به‌طوری‌که از تکنیک‌ها و مهارت‌های معنوی به‌عنوان روش درمانی مکمل در کنار متدهای درمانی مدرن بهره می‌برند. حضور کشیشان مسیحی در لباس مراقبان معنوی در بیمارستان‌های دنیا خبر از عصری جدید در توسعه درمان و سلامت می‌دهد و ضرورت بهره‌گیری صحیح از دین و اصول معنوی برگرفته از آن را بیش از قبل منعکس می‌کند.

در کنار این علاقه فزاینده، پژوهش‌هایی نیز صورت گرفته است و ارتباط معنویت با مؤلفه‌های روانی، اجتماعی و سایر مؤلفه‌ها بررسی شده است. پژوهش‌هایی در زمینه نقش دین در تعیین حدود و وجوه سلامت معنوی و شاخص‌های آن صورت گرفته است. برای مثال یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که گزاره‌های وحیانی و دینی، ضمن بیان شاخص‌های تجویزی در سلامت معنوی، به شاخص‌های تحذیری نیز می‌پردازند.

برخی از شاخص‌های سلامت معنوی در روابط چهارگانه انسان با خود، خدا، خلق و خلقت عبارتند از: دعا، بندگی، خودشناسی، آداب سخن گفتن، اطاعات و احترام متقابل اعضای خانواده؛ صله رحم، انفاق، ارتباط صحیح با جوانان (واشیان)، شاخص‌های سلامت معنوی در سند سلامت، (۱۳۹۶: ۸۶).

مرزبند و زکوی (۱۳۹۱: ۶۹) نیز در پژوهشی به شاخص‌هایی برای سلامت معنوی از آیات و روایات دست یافتند. یافته‌های آنها نشان داد سلامت معنوی دارای مؤلفه‌های شناختی، احساسی، رفتاری و پیامدی می‌باشد. انسان معنوی برخوردار از اندیشه یا تعقل ویژه نسبت به خدا، انسان و خلقت و رابطه متقابل آنها است. این تعلق، پرده ظواهر را دریده و به حقیقت باطنی دست یافته است. چنین انسانی تمام زندگی‌اش جهت‌گیری الهی پیدا می‌کند و از حالات معنوی ویژه‌ای چون حب به خداوند، دگروستی، توکل، و شرح صدر برخوردار است و از سلامت جسمی و روانی بیشتری بهره می‌برد.

۴. شاخص‌های سلامت معنوی در بیانیه گام دوم انقلاب

در این قسمت مهم‌ترین شاخص‌های سلامت معنوی از منظر بیانیه گام دوم انقلاب که مستندات آن در آیات و روایات وجود دارد بر پایه ارتباطات چهارگانه انسان با خود، خداوند، خلق و خلقت و در سه محور بینش، گرایش و کنش دسته‌بندی شده‌اند و عبارتند از:

الف. شاخص‌های بینشی

یک. باور توحیدی

زندگی معنادار، آن است که در آن، هدف واقعی و اصیل زندگی، معین و کشف شده باشد. کسی که هدف واقعی زندگی را تشخیص نداده است و غیرهدف را هدف پنداشته است و همچنین کسی که هدف را شناخته؛ اما در راستای تحقق آن، زندگی نمی‌کند، در حقیقت از زندگی معنادار برخوردار نیست، حتی اگر خودش، احساس بی معنایی نداشته باشد.

هدف داشتن و معناداری یک عمل، معنویت را تأمین نمی‌کند؛ چراکه معنویت به معنای معناداری کل زندگی است و نه تنها بخشی از آن. لذا برای برخورداری از معنویت و زندگی معنادار، اولین شرط آن است که فرد همه اعمالش در زندگی را در راستای هدفی واحد تنظیم کند. رسیدن به این هدف واحد از منظر قرآن کریم و احادیث، جز از طریق باور به توحیدی بودن تمام کائنات و روابط بین آنها میسر نمی‌شود.

داشتن باور توحیدی نسبت به تمام امور و فعل و انفعالات هستی و افعال خداوند، سرچشمه شکل گیری گرایش توحیدی و به دنبال آن بروز کنش و رفتار توحیدی از انسان می‌شود. چنین باوری در صورتی حقیقی است که بر محور علم، آگاهی و معرفت باشد، نه بر پایه تقلید. از این رو خداوند دستور می‌دهد: «فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» (محمد/۱۹).

داشتن باور توحیدی باعث ایجاد معنا در حیات و زندگی می‌شود، چون هر جهان‌بینی، به انسان هدفی می‌دهد که در پرتو آن آرمان‌سازی و شوق‌انگیزی و آرزوسازی می‌کند و در قبال آن آرمان‌ها، تعهد و مسئولیت‌سازی می‌کند و این برهان و استدلال است که افکار باطل از زندگی را دور می‌سازد و به واقعیت و یقین آشنا می‌سازد. برخی دیگر از نتایج بینش توحیدی، زدودن بیم و اندوه، طمأنینه قلبی، و افزوده شدن ایمان است. برای مثال در دو آیه از قرآن کریم می‌توان این واقعیت را دید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت/۳۰)

این آیه نشان می‌دهد عامل بارورسازی و تقویت ایمان، مقاومت مستمر و طولانی است. در حقیقت ایمان صرف نمی‌تواند انسان را به مرحله اطمینان قلبی برساند؛ زیرا چه بسیار مؤمنانی بوده‌اند که اگرچه از ایمان برخوردار بودند؛ اما از آن جهت که یارای ایستادگی مداوم و مستمر در مسیر حق نداشتند و عاقبت تسلیم و سوسه‌های شیطان شدند. از این رو در آیه‌ای دیگر خداوند ایمان را در کنار اطمینان یافتن قلوب با ذکر خدا، از نشانه‌های هدایت شدگان معرفی کرده است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد/۲۸).



رهبر معظم انقلاب در فرازی از بیانیه گام دوم انقلاب، نعمت انقلاب اسلامی را برگرفته از ارزش‌های اصیلی می‌دانند که با ایمان دینی مردم آمیخته است: «انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بااراده، همواره دارای انعطاف و آماده تصحیح خطاهای خویش است؛ اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف‌های بی‌عمل می‌شمارد؛ اما به هیچ بهانه‌ای از ارزش‌هایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد.»

ایشان در مناسبتی دیگر با اشاره به اصل توحید به عنوان ستون اصلی انقلاب اسلامی، این اصل را حرف نوی انقلاب به جهان خواندند و آن را «حاکمیت ارزش‌های الهی بر جامعه و نفی حکومت‌های طاغوتی، استبدادی، فاسد و طغیانگر بر ارزش‌های انسانی و اصیل» دانستند (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان زنجان، ۱۳۸۲/۷/۲۲).

ایشان همین اصل را در استمرار این انقلاب لازم دانستند: «اگر انقلاب متکی به اعتقاد دینی و ایمان اسلامی نبود نمی‌توانست پیروز شود. ایمان یکایک مردم بود که توانست این حرکت را به وجود آورد و استمرار بخشد.» (همان).

باور به توحید، کارکردهای متعددی در زندگی دارد. یکی از مهم‌ترین کارکردهای آن قرار گرفتن انسان در مسیر تربیت توسط خداوند است. پیامبر اسلام در حدیثی از زبان خداوند چنین می‌فرماید: «لَا أَطْلِعُ عَلَى قَلْبٍ عَبْدٍ فَأَعْلَمُ مِنْهُ حُبَّ الْإِخْلَاصِ لِبِطَاعَتِي لَوْجْهِهِ وَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي إِلَّا تَوَلَّيْتُ تَقْوِيمَهُ وَ سِيَاسَتَهُ» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۸۲: ۱۳۶)؛ هرگاه دل بنده‌ام را بنگرم و دریابم که از روی اخلاص و برای خشنودی من طاعتم را به‌جا می‌آورد، اصلاح و تربیت او را خود به عهده می‌گیرم.

رهبر معظم انقلاب مهم‌ترین مشکل دنیای امروز را جدایی از خدا و اعتقاد به خدا و التزام به اعتقاد به خداست. ایشان راهکار حل مشکلات بشریت را حل کردن مسئله مبدأ می‌دانند و می‌فرمایند: «اگر مسئله مبدأ حل شد، بسیاری از مسائل حل خواهد شد... «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهِمِّنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ.» وقتی انسان اینجور توحیدی را معتقد بود، وقتی توانستیم این اعتقاد را در بدنه زندگی خودمان بسط دهیم، این مشکل اساسی بشریت را حل خواهد کرد.» (بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۸۹/۹/۱۰)

دو. خودآگاهی معنوی

خودآگاهی معنوی همان باور فرد درباره خدا و جهان و ارزش‌ها و استانداردهای اخلاقی و مسائل زندگی، مانند بیماری و گرفتاری، بر اساس الگوهای معنوی دینی است. این خودآگاهی سبب می‌شود فرد با بقیه افراد در ابعاد و ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری تفاوت داشته باشد (احمدی‌فراز، بیماری و بیداری، ۱۳۹۵: ۴۷).

ضرورت ارتباط با خود و شناخت نفس، یک قطعه از پازل خداشناسی و سرآغازی بر درک رابطه خود با هستی محسوب می‌شود. این مسئله تا جایی اهمیت دارد که خودشناسی در احادیث، بر خداشناسی تقدم یافته (فخررازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۹۱/۱) و معرفة النفس در زمرة کلید تمامی علوم و دانش‌ها در نزد فیلسوفان مسلمان جای گرفته است (ر.ک. ملاصدرا، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه، ۱۳۷۱: ۱۷۳/۴). با بررسی آیات و روایات، این چنین به دست آمد که خداوند در برخی آیات، با ذکر نشانه‌هایی در وجود انسان، آنها را از این جهت مهم می‌داند که شناخت آن‌ها منجر به شناخت خود و در نتیجه پیدا کردن مسیر و راه سعادت است: «وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ».

وجه دیگر اهمیت خودآگاهی معنوی، نقش آن در هدف‌گذاری صحیح انسان برای خود است. در قرآن کریم به لزوم شناخت خود و به‌کارگیری قوه عقل و بینایی و شنوایی در تصمیم‌گیری‌های زندگی اشاره شده و افراد فاقد هویت انسانی را اینگونه توصیف کرده است: گروهی از انسان‌ها دل‌هایی بدون ادراک و گوش‌های ناشنوا و چشم‌های نابینا دارند. آنها همچون چهارپایانند، بلکه گمراه‌تر! اینان همان غافلانند (اعراف/۱۷۹).

از دیدگاه قرآن، غفلت، عامل اصلی بحران هویت است؛ چراکه غفلت، شخص را از هدف نهایی خلقت خویش باز می‌دارد و او را به سمت پوچی و بی‌هدفی واهی و غیر صحیح سوق می‌دهد. اصطلاح «خودفراموشی»، به‌عنوان یکی از عوامل بحران هویت در قرآن آمده است که به دنبال آن، فراموشی خدا می‌آید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را به «خود فراموشی» گرفتار کرد، آنها فاسق‌اند.

غفلت از خویشستن، نتیجه‌ای جز غفلت از خدا، خروج از مسیر حرکت توحیدی نظام هستی و گرفتار شدن به افات و بلاها ندارد؛ چراکه خداوند وعده داده است عاقبت افرادی که خدا را از یاد برده‌اند اینگونه است: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» (طه/۱۲۴)؛ «و هر کس از یاد من روی گرداند، پس همانا برای او زندگی تنگ و سختی خواهد بود و ما او را در قیامت نابینا محسور می‌کنیم».



اهمیت دیگر خودآگاهی معنوی برای انسان، خودسازی معنوی است. آدمی با اطلاع از استعدادهای خود می‌تواند به شناسایی مقدمات ضروری تحقق آن استعدادها روی آورد و موانع تحقق آن‌ها را نیز بشناسد. پرورش خود نیز بدون اطلاع از استعدادهای خود و نیازها و موانع فعلیت یافتن استعدادها امکان‌پذیر نیست. بنابراین خودشناسی منجر به خودسازی و تهذیب نفس می‌شود. ازاین‌رو آدمی در فرآیند شناخت خود، به جهاد با آن برمی‌خیزد چنانچه امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ جَاهَدَهَا، مَنْ جَهَلَ نَفْسَهُ أَهْمَلَهَا» (تمیمی‌آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ۱۴۱۰: ۷۸۵۵ - ۷۸۵۶)؛ «هرکه نفس خود را شناخت، به جهاد با آن برخاست و هرکه آن را نشناخت، به حال خود رهایش ساخت.»

کسی که به مقام خودآگاهی معنوی دست پیدا کند در ارتباط با خدا، خود را فرع و خداوند را اصل می‌بیند، خود را مظهری از چشمه حقیقت و صفات الهی می‌داند؛ اما کسی که خود را گم کرد، در حقیقت اصل و مبدا حقیقی خود را گم کرده است.

دوران جوانی، بهترین فرصت برای کسب خودآگاهی معنوی و صیقلی نمودن آئینه قلب از زنگار است. ازاین‌رو رهبر انقلاب در سال‌های اخیر ضمن نامه‌ای خطاب به جوانان اروپا، با اشاره به لزوم کسب خودآگاهی و دعوت به تفکر در خود و گذشته تاریخی کشور خود، دلیل مخاطب قرار دادن جوانان را سرزنده تر بودن حس حقیقت جویی در درون آنان بیان نمودند:

من شما جوانان را مخاطب خود قرار می‌دهم؛ نه به این علت که پدران و مادران شما را ندیده می‌انگارم؛ بلکه به این سبب که آینده ملت و سرزمینتان را در دستان شما می‌بینم و نیز حس حقیقت‌جویی را در قلب‌های شما زنده‌تر و هوشیارتر می‌یابم. همچنین در این نوشته به سیاستمداران و دولتمردان شما خطاب نمی‌کنم، چون معتقدم که آنان آگاهانه راه سیاست را از مسیر صداقت و درستی جدا کرده‌اند.

سه. شناخت جایگاه و ارزش خانواده

اولین نهادی که فرد، برقراری ارتباط را در آن می‌آموزد و محل ارتقاء سلامت معنوی افراد محسوب می‌شود، خانواده است. خانواده در نظام سلامت معنوی قرآن و حدیث، مأمونی برای آرامش اعضا، تامین نیازهای عاطفی و غریزی و معیشتی و جایگاهی برای رسیدن انسان به رشد مطلوب و آماده‌سازی برای ورود به عرصه اجتماع است. در قرآن کریم از پیوند زن و مرد و تشکیل خانواده به‌عنوان یکی از نشانه‌های خداوند و وسیله‌ای برای آرامش و مودت یاد شده است. در روایت آمده است که هیچ بنایی نزد خداوند محبوب‌تر از بنای خانواده نیست (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۴۰/۲۲۲، ح ۱۰۳).

شناخت جایگاه خانواده و ارزش آن به تنهایی در تنظیم روابط انسان با خانواده کفایت نمی‌کند؛ بلکه لازم است معیارهای تشکیل چنین خانواده‌ای نیز به درستی انتخاب شود. همسری که با خانواده توحیدی مد نظر دین هماهنگ باشد در روایات با اوصافی نظیر دین‌دار بودن و خوش اخلاق بودن توصیف شده است. رسول خدا ﷺ درباره اهمیت ازدواج با زن دین‌دار فرمودند: «مَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً لِمَالِهَا وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَمَنْ تَزَوَّجَهَا لِحَمَالِهَا رَأَى فِيهَا مَا يَكْرَهُ وَمَنْ تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا جَمَعَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۱۲: ۳۱/۱۴)؛ «هرکه با زنی به سبب مالش ازدواج کند، خداوند او را به مال وی واگذار می‌کند، و هرکه با او به علت جمال و زیبایی‌اش ازدواج نماید، در او چیزی را که خوشایند او نیست، خواهد دید، و هرکه با وی به سبب دینش ازدواج کند، خداوند تمامی این مزایا را برای او جمع می‌کند.»

زمانی نقش کلیدی خانواده را در بیانیه گام دوم انقلاب درک می‌کنیم که به تعبیر مقام معظم رهبری درباره «جوانان» توجه داشته باشیم. مخاطب اصلی این بیانیه جوانان‌اند و طبعاً برای محقق شدن آرمان بزرگی چون ایجاد تمدن نوین اسلامی، جوانانی می‌خواهیم که «مؤمنانه و متعهدانه» در جهت محقق شدن این تمدن بزرگ حرکت کنند و به تعبیر رهبری حکیم «نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند». بدیهی است رشد و بالندگی چنین جوانانی جز در بستری متعالی و بالنده به نام خانواده محقق نمی‌شود.

بنابراین لازم است خانواده‌ای با چنین نگاهی و متشکل از زن و مردی اخلاقی و متدین تشکیل شود تا زمینه تولد و تربیت چنین افرادی مهیا شود. رهبر معظم انقلاب مسئولیت خطیر ایجاد بینش معنوی در انسان را بر عهده مادران و زنان نهاده‌اند و در مناسبت‌های مختلف از نقش انسان سازانه آنان سخن به میان آورده‌اند: «اگر زن‌ها با قرآن مأنوس بشوند بسیاری از مشکلات جامعه حل خواهد شد...» (بیانات در تاریخ، ۱۳۸۸/۷/۲۸).

چهار. دشمن شناسی

بخشی از اعتقادات دین اسلام به ارتباط با غیریت‌های دینی اشاره می‌کنند. غیریت‌های دینی اعم از اهل کتاب، و ملحدان است. ملحدان دو دسته‌اند: دسته اول کسانی هستند که در عین کفر و شرک، کاری به اعتقادات مسلمانان ندارند، نه عداوت می‌ورزند، و نه با آنها پیکار می‌کنند. به حکم قرآن کریم، چنانچه در سرزمین‌های اسلامی زندگی می‌کنند با این گروه لازم است بنا بر شرایط اهل ذمه برخورد شود و چنانچه خارج از قلمرو مرزهای اسلامی هستند بر اساس اصل نیکی و عدالت.



اما گروه دوم کسانی هستند که دشمنان اعتقادات دینی محسوب می‌شوند، کسانی هستند که از مسیر اعتقادات و باورها نفوذ می‌کنند و مسیر فکری افراد را تغییر می‌دهند. در سوره ممتحنه به جایز نبودن دوستی با این افراد اشاره شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ» (ممتحنه/۱).

بنابراین برای در امان ماندن از آسیب‌های معنوی این گروه لازم است رویکردی شجاعانه و قدرتمندانه در پیش گرفته شود و از هرگونه دخالت یا مسیر نفوذ دشمنان به درون مرزهای اعتقادی خود و اطرافیان خود جلوگیری به عمل آید.

تحقق این راهکار، قبل از هر چیز نیازمند داشتن شناختی دقیقی و صحیح از دشمن و راه‌های نفوذ اوست. شناخت دشمن از ضروریات اولیه هر مبارزه و از محوری‌ترین مسائل دفاعی جامعه است. با شناخت دشمن می‌توان بقای خود و جامعه را تضمین کرد، احتمال پیروزی و شکست را تعیین کرد، و به ایجاد زمینه‌های دفاعی همت گماشت.

در قرآن کریم واژه عدو و اعداء بارها تکرار شده و آیات متعدد، چهره دشمنان اسلام و راه‌های مقابله با شیوه‌های نفوذ آنان را به خوبی تبیین کرده است. در روایات نیز دشمن شناسی از نشانه‌های عاقلان محسوب شده است: «(أَلَا وَ إِنَّ أَعْقَلَ النَّاسِ عَبْدٌ عَرَفَ رَبَّهُ فَأَطَاعَهُ وَ عَرَفَ عَدُوَّهُ فَعَصَاهُ)» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۱۷۹/۷۷).

بیانیه گام دوم انقلاب نگاه ویژه‌ای به دشمن شناسی و شناخت استکبار جهانی و شگردهای مبارزه داشته است. رهبر معظم انقلاب در بخشی از این بیانیه فرمودند: «اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته حزب الله و مقاومت در سراسر این منطقه است.» ایشان همچنین با بیان تقابل دوگانه جدید «اسلام و استکبار» به عنوان پدیده برجسته جهان معاصر، راهکار غلبه بر این دشمن را قدرت عظیم ایمان و انگیزه این ملت و رهبری آسمانی و تأییدشده امام عظیم‌الشان بیان کردند.

در بخشی دیگر از این بیانیه با اشاره به عبرت‌اندوزی از وقایع گذشته، به انگیزه و فعالیت‌های دشمن از دشمنی با این انقلاب اشاره کردند: «دشمنان انقلاب با انگیزه‌ای قوی، تحریف و دروغ‌پردازی درباره گذشته و حتی زمان حال را دنبال می‌کنند و از پول و همه ابزارها برای آن بهره می‌گیرند. رهنان فکر و عقیده و آگاهی بسیارند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده‌نظامش نمی‌توان شنید.»

پنج. باور به هدفمندی و معناداری طبیعت

محیط زیست، بستر زندگی آدمی و گهواره حیات و بقای اوست. این کره خاکی گرانقدر که شتابان در حال حرکت است و برای آدمیان، گهواره‌ای رام و آرام فراهم کرده است بزرگترین نعمت الهی و از آن همه نسل‌های بشریت است. حال آنکه در معنویت اسلامی، طبیعت به مثابه امری ذی شعور و جلوه‌ای از قدرت و شکوه پروردگار، همواره به تسبیح خدای متعال مشغول است (جمعه/۱)، لذا ماهیتی روحانی و مقدس دارد.

در قرآن کریم در بیش از ۷۵۰ آیه با اشاره به ظواهر طبیعت و ابعاد گوناگون و زیبایی‌های آن، ما را به مطالعه کتاب طبیعت و پندآموزی از آن راهنمایی می‌کند. دسته‌ای از آیات اشاره دارند که هر آن چه در آسمان‌ها و زمین است به تسبیح خدای متعال مشغولند: «يَسْبِيحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (جمعه/۱)؛ خداوند در برخی آیات انسان را به نظر افکندن به آفرینش آسمان‌ها و زمین و تفکر در خلقت توصیه می‌کند و این عمل را از اعمال صاحبان خرد و اندیشه معرفی می‌کند: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ» (آل عمران/۱۹۰)

در دسته‌ای دیگر از آیات، زنده شدن طبیعت در فصل بهار از آثار رحمت خداوند معرفی شده و با زنده شدن انسان در روز قیامت تشبیه شده است. معرفی طبیعت و تحولات آن به عنوان یکی از آثار رحمت خداوند در حق بندگان خویش، انسان را بر آن می‌دارد در برابر چنین طبیعتی مسئولانه و قدرشناسانه برخورد کند و اجازه تعدی و تصرف ناروا در آن را به خود و دیگران ندهد. بنابراین رابطه‌ای معنوی با طبیعت برقرار می‌شود و اقدامات انسان در خصوص طبیعت، معنادار و هدفمند می‌گردد.

رهبر معظم انقلاب در مناسبتی، از طبیعت به عنوان پدیده‌ای محترم یاد کردند و فرمودند: «اینها همه نعمت‌های خدائی‌اند؛ از این نعمت‌ها باید استفاده کرد، ولی درست؛ باید استفاده کرد، ولی با رعایت حریم‌های الهی؛ باید استفاده کرد، ولی با احترام به ارزش‌ها و دین و اخلاق این مردم؛ ارزش‌هایی که آنها را در طول سالیان دراز در میدان‌های سخت نگه داشته.»

ب. شاخص‌های گرایشی

یک. گرایش به فضائل و دوری از رذائل

انسان با مراجعه به خویش درمی‌یابد که گرایش به صفات اخلاقی نیک دارد و از رذایل اخلاقی گریزان است. جامعه مطلوب انسانی از منظر قرآن کریم و احادیث با فضیلت‌ها پیوند عمیق و ناگسستنی دارد، نه با رذیلت‌ها. بنابراین خودسازی حقیقی زمانی محقق می‌شود که آدمی این



گرایش‌های فطری را در درون خود زنده و بیدار کند و نسبت به آنها ممارست ورزد. اساساً رسالت پیامبران الهی، متخلق ساختن مردم به اخلاق الهی و بیدارکردن فضایل اخلاقی در نهاد غافل و فراموشکار بشر بوده است، همچنانکه حضرت علی (علیه السلام) در خطبه یک نهج البلاغه به فراموشی در انسان اشاره کردند: «قَبَعَتْ فِيهِمْ رُسُلَهُ وَ أَتَرِ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لَيْسَتْ أَدْوَاهُ مِثْقَالَ فِطْرَتِهِ وَ يَذْكُرُوهُمْ مَنَسِي نِعْمَتِهِ وَ يَحْتَجُّوْا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِيغِ وَ يَشِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ...» (شریف رضی، نهج البلاغه، ۱۳۷۹: خطبه اول)؛ «پس خداوند رسولش را در میان آنان برانگیخت و پیامبرانش را پی‌درپی به سوی آنان روانه ساخت تا وفای به پیمان فطرت را آنها بخواهند و نعمت‌های فرموش‌شده او را یادآور شوند و با ابلاغ وحی الهی، حجت را بر آنان تمام کنند و گنجینه‌های عقول را بر ایشان آشکار سازند...».

گرایش به فضایل اخلاقی، یکی از گرایش‌های فطری انسان است که باعث می‌شود وجدان آدمی، او را به ملامت و سرزنش‌گری از انجام اعمال زشت وادارد. انسان به حکم اینکه دارای شرافت و کرامت ذاتی است که همان جنبه ملکوتی و نفخه الهی است، ناآگاهانه آن کرامت را احساس می‌کند. بعد در میان کارها و ملکات هرکدام که مناسب با آن جنبه بود، خیر و فضیلت و هر کدام که مناسب نبود، ردیلت می‌داند. در قرآن کریم نیز از این حقیقت یاد شده است آنجا که برای نفس انسان قابلیت الهام فجور و تقوا بیان کرده است. (مطهری، نقدی بر مارکسیسم، بی‌تا: ۲۰۵-۲۰۸).

رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب، ترویج فضائل اخلاقی را به عنوان یکی از شعارهای محوری انقلاب اسلامی دانستند و با اشاره به شعارهای جهانی، فطری، درخشان و همیشه‌زنده انقلاب اسلامی، از نقش بی‌ظنیر امام خمینی (علیه السلام) در گسترش اخلاق‌گرایی در جامعه سخن گفتند: «این پدیده مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد؛ آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود. هرچند دست تطاول تبلیغات مروج فساد و بی‌بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجن‌زاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و به خصوص جوانان کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی به‌ویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد.»

دو. امیدورزی به خداوند

چنانچه در قسمت قبل گفته شد ازجمله شاخص‌های بینشی در ارتباط با خداوند، باور به توحید است که اساس دین اسلام محسوب می‌شود. اعتقاد به توحید، زمانی انسان را از وادی شرک نجات می‌دهد که در مقام عمل قرار گیرد. از این رو لازم است توحید عملی را بشناسیم. در غیر این صورت، ممکن است کسی در مقام نظر و عقیده، موحد باشد؛ اما در مقام عمل مانند مشرکان و کافران زندگی کند. این تضاد و تعارض میان عقیده و رفتار، در ابعاد مختلف وجودی انسان تأثیرگذار خواهد شد.

برای آنکه انسان در مقام عمل به توحید برسد و موحد شود لازم است از هر چه غیر خداست منقطع شود و فقط متوجه خدا گردد. برای آنکه آدمی از غیر خدا منقطع شود و فقط متوجه او گردد باید از غیر خدا ناامید شود. ناامیدی از غیر خدا، موجب اضطراب انسان می‌شود. وقتی انسان به مقام اضطراب رسید موحد شده و فقط متوجه خدا می‌شود.

رهبر معظم انقلاب امیدورزی را در ارتباط با بهجت معنوی می‌داند و در مناسبتی فرمودند: «البته یکی از مایه‌های مهم امید عبارت است از توکل به خدای متعال؛ «الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»؛ وقتی شما اهل تقوا بودید، پاکدامن بودید، رعایت امر و نهی الهی را کردید، خدا با شما است. وقتی خدا با انسان است؛ یعنی پیروزی با انسان است، موفقیت با انسان است، شادکامی با انسان است، بهجت معنوی با انسان است.»

سه. دیگر دوستی

همانطور که انسان با کسب معرفت خداوند به او گرایش پیدا می‌کند و خدادوست می‌شود نسبت به دیگران نیز چنین حسی پیدا می‌کند. از آثار محبت خدا و خدادوستی در ارتباط با دیگران آن است که: «بِهِ يَعْمُرُ اللَّهُ تَعَالَى بِلَادَهُ وَ بِكَرَامَتِهِ يَكْرُمُ اللَّهُ عِبَادَهُ»؛ خداوند شهرها و کشورها را به واسطه وجود چنین کسی آباد می‌کند و به واسطه احترام و ارزشی که برای این شخص قائل است به دیگران هم احترام می‌گذارد. «يُعْطِيهِمْ إِذَا سَأَلُوهُ بِحَقِّهِ وَيَدْفَعُ عَنْهُمْ الْبَلَايَا بِرَحْمَتِهِ»؛ اگر مردم از خدا به حق چنین کسی، چیزی بخواهند، خدا خواسته‌شان را ادا می‌کند. و به واسطه رحمتی که خدا به چنین بنده‌ای می‌دهد بلاها را از دیگران دفع می‌کند. «وَلَوْ عَلِمَ الْخَلْقُ مَا مَحَلُّهُ عِنْدَ اللَّهِ وَ مَنْزِلَتُهُ لَدَيْهِ مَا تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ إِلَّا بِثَرَابٍ قَدَمِيهِ»؛ اگر مردم می‌دانستند که دوست‌دار خدا چه قرب و منزلتی پیش خدا دارد، به چیزی غیر از خاک پای او، به خدا تقرب نمی‌جستند.



در قرآن کریم و روایات، ملاک‌هایی برای برگزیدن دوست خوب بیان شده است. دوست داشتن دیگران در سطحی عمیق‌تر باید همراه با احترام به آنان باشد. بر اساس آموزه‌های قرآنی، انسان از کرامت ذاتی برخوردار است و شایسته احترام.

خداوند در قرآن کریم ضمن بیان کلیاتی درباره چگونگی احترام گذاشتن، موارد و مصادیق جزئی را نیز مطرح می‌کند تا انسان‌ها بیاموزند که چگونه باید حرمت یکدیگر را نگاه دارند. برای مثال بلند نکردن صدای خود در محضر پیامبر خدا، تقدیم سلام و با خوش رویی با شخص، احسان و کمک به والدین، احترام گذاشتن به قوانین و شعائر الهی. در قرآن کریم آمده است افرادی که در نزد خداوند خوار شدند، فاقد هر گونه احترامی هستند؛ چرا که خود حرمت خویش را نگه نداشتند و از کرامت الهی سود نبردند پس سزاوار بی حرمتی هستند (حج/۱۸).

یکی از جلوه‌های حقیقی دیگر دوستی به برکت انقلاب اسلامی برای کشور ما پدید آمد و در انواع مشارکت‌های مردمی جلوه گر شد. رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم با اشاره به دستاورد مشارکت مردمی فرمودند: «مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی مانند کمک‌رسانی‌ها و فعالیت‌های نیکوکاری که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشمگیر داد. پس از انقلاب، مردم در مسابقه خدمت‌رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی مشتاقانه شرکت می‌کنند.»

ج. شاخص‌های کنشی

یک. جهاد با نفس

انسان معنوی همیشه در صدد شناخت خود است (مائده/۱۰۵) و به جهاد با نفس می‌پردازد. چنانچه پیامبر دشمن‌ترین دشمن انسان را نفس انسان نامیده‌اند و فرمودند: «أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ» (ورام، تنبیه الخواطر، ۱۳۸۴ق: ۲۵۹/۱)؛ «دشمن‌ترین دشمن تو نفس توست که در میان دو پهلوی توست.» از این رو خداوند از همه مومنان خواسته که: «قُوا أَنْفُسَكُمْ...» (تحریم/۶)؛ یعنی مراقب خودشان باشند. لذا انسانی که از سلامت معنوی برخوردار است همواره مراقب نفس خود است و می‌کوشد با مشارطه، مراقبه و محاسبه، نفس خود را کنترل و اعمال آن را در راستای هدف واحد یعنی توحید هماهنگ سازد.

از سویی دیگر این دستور صریح روایی است که از پیامبر ﷺ نقل شده است: «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا وَ زُنُوهَا قَبْلَ أَنْ تُوزَنُوا وَ تَجَهَّزُوا لِلْعَرْضِ الْأَكْبَرِ؛ پیش از آنکه به حساب شما برسند خود به

حساب خویش برسید، و قبل از آنکه مورد سنجش قرار گیرید خویشتن را بسنجید، و خود را برای رستاخیز بزرگ آماده کنید.» (حر عاملی، وسایل الشیعه، ۱۴۱۲: ۹۹/۱۶).

بهترین مدل خودارزیابی در دین مبین اسلام بر مبنای مشارطه، مراقبه، محاسبه، و معاتبه معرفی شده است که نوعی جهاد با نفس محسوب می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: خوشا به حال بنده‌ای که برای خدا با نفس و هوی و هوس خود جهاد کند (نراقی، جامع السعادات، ۱۳۷۰: ۱۳۱-۱۳۳): چراکه خداوند می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾ (عنکبوت/۶۹).

سالم نگه داشتن قلب به عنوان مرکز ادراکات، از جمله دستوراتی است که طی عمل مراقبه در آیات و روایات وارد شده است. قلب سلیم و پاک، مرکز تولید عمل نیک و قلب ناسالم و تاریک، کانون فساد است. در قرآن کریم ۱۳۲ بار از قلب سخن به میان آمده است و در آیات متعددی از قلب کافران و منافقان و مجرمان به عنوان قلب مهر زده (بقره/۷)، قلب سخت، قلب منحرف، قلب پیچیده به لحاف و حجاب (بقره/۸۸)، قلب مریض (منافقون/۱۰)، قلب قفل زده و... یاد شده است (قرآنی، گناه شناسی، ۱۳۷۰: ۶۰).

خداوند در سوره شعراء قلب سلیم را به متقین نسبت می‌دهد که همواره در تقوای فطری و تشریعی هستند و صفت تقوا، حقیقت وجودی آنان شده است: ﴿إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ. وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِمُتَّقِينَ﴾ (شعرا/۸۹ و ۹۰). از این رو در روایات راه‌های متعددی برای حفاظت از این کانون ادراکات بیان شده است که برخی از آنها عبارتند از: پرهیز از پر خوری، موعظه، پرهیز از کثرت گناه، حکمت اندوزی و ترک حب دنیا.

لازم به ذکر است در مسیر خودسازی و تزکیه نفس، از نقش سایر عوامل نیز نباید غافل بود. یکی از مهم‌ترین عوامل، بسترهای فساد یا فضیلت‌زا است. رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم، با اشاره به نقش محوری اخلاق در کنار معنویت، از لزوم بسترسازی سالم توسط حکومت‌ها برای رشد اخلاق یاد کردند: «شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند، برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند؛ اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند.»



دو. بندگی خداوند

بندگی خداوند محصول کسب بینشی توحیدی و گرایش به سمت خدا و دل بریدن از هرچه غیر خداست. چنین فردی مصداق حقیقی آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» است. در قرآن کریم هدف از خلقت جن و انس، عبادت و بندگی خداوند بیان شده است (ذاریات/۵۶). امام صادق (ع) در تفسیر این هدف فرمود: آنان را خلق کرد تا امرشان کند که عبادتش کنند (صدوق، علل الشرایع، ۱۳۹۰: ۱۳).

انسان از طریق عقل و وحی می‌تواند چگونه بندگی کردن را بداند و بدان عمل کند. نمودهای عملی بندگی خداوند، انجام واجبات و ترک محرمات است. اعمالی نظیر ذکر، دعا، اعتکاف، سجده، روزه، و... جلوه ظاهری بندگی و دل نبستن به غیر از خدا و کمک خواستن از او در تمام امور از جلوه‌های باطنی و حقیقی بندگی است.

رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب با اشاره به ایستادگی در برابر طاغوت به‌عنوان یکی از ابعاد معنویت در میان مردم ایران فرمودند: «در تمام این چهل سال، تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته آن در مقابل دولتهای متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته‌شده ایران و ایرانی بویژه جوانان این مرز و بوم به‌شمار می‌رفته است.»

یکی از راه‌های بندگی خداوند، شکرگزاری قولی و فعلی اوست. به تعبیر قرآن کریم، انسان‌ها در برابر در برابر انتخاب مسیر هدایت الهی دو دسته‌اند: انسان‌های شاکر و انسان‌های کفور. دسته اول، قدردان نعمات خداوند می‌شوند و از نعمات او بهترین استفاده را در جهت رشد خویش و جامعه و رسیدن به کمال مطلوب خداوند می‌کنند و دسته دوم با کفران نعمت، طریق گمراهی را در پیش گرفته و خود و جماعتی را به ورطه نابودی می‌کشند. بنابراین شکرگزاری با نعمات الهی ارتباط دارد به این معنا که فرد شاکر در مسیر هدایت الهی قرار دارد و فرد کفور، از مسیر هدایت دور شده است.

بنابر آیات قرآنی، شکر یا ناسپاسی، هیچ نفع یا ضرری برای خداوند ندارد؛ زیرا خدا از انسان و افعال او غنی و بی‌نیاز است. بر همین اساس، شکر نعمت باعث برکت و افزون شدن آنها می‌شود: «وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ».

اگرچه طبق فرموده قرآن کریم و روایات، انسان نمی‌تواند آن‌گونه که بایسته و شایسته است شکر نعمات خداوند را به جا آورد (سبا/۱۳)؛ ولی از مفاد آیات و روایات چنین برداشت می‌شود که به‌کارگیری نعمت‌های پروردگار در راستای بندگی او بهترین نوع سپاسگزاری است. عبادت و نماز، دعا و روزه و احسان و انفاق در راه خدا از بهترین مصادیق شکر عملی محسوب می‌شود.

آموختن علم خویش به دیگران و عمل به آن؛ شکر نعمت علمی است که خداوند به عالم عنایت فرموده است. امیرمؤمنان علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «شُكْرُ الْعَالِمِ عَلَى عِلْمِهِ، عَمَلُهُ بِهِ وَبَذْلُهُ لِمُسْتَحَقِّهِ» (تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ۴۰۷: ۱۴۱۰)؛ «شکرگزاری عالم در برابر علمی که دارد این است که به آن عمل کند و به نیازمندان بذل نماید (به آنها آموزش دهد).»

سه. دستگیری از نیازمندان

نمود عملی کسب بینش توحیدی و گرایش به سمت توحید، در نوع تعامل با دیگران مشخص می‌شود. فردی که از سلامت معنوی برخوردار است در تنظیم روابط خود با دیگران به سمت ایجاد بیشترین منفعت برای دیگران است. چنین فردی آنچه را برای خود می‌پسندد برای دیگران نیز می‌پسندد. از این رو روا نمی‌بیند که خود، سیر باشد درحالی که مسلمان همسایه خود گرسنه است. نمود عملی بندگی خداوند، یعنی انجام کارهای خیر یکی از مأموریت‌های انبیاء الهی است. چنانکه قرآن در هر جا که از عبادات فردی سخن گفته بلافاصله از انفاق و زکات به عنوان یکی از عبادات‌های جمعی و در ارتباط با دیگران نیز سخن گفته است: «وَجَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ» (انبیاء/۷۳)؛ «و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می‌کردند، و انجام دادن کارهای نیک و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات را به آنان وحی کردیم، و آنان فقط پرستش کنندگان ما بودند.»

در احادیث، ملاک ارزشمندی انسان، در کنار ایمان به خدا سودمندی برای مردم و خدمت به آنان بیان شده است: «خَصْلَتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا مِنْ الْبِرِّ شَيْءٌ إِلَّا إِيْمَانُ بِاللَّهِ وَالتَّفَعُّلُ لِعِبَادِ اللَّهِ» (مجلسی، بحار الأنوار، ۱۴۰۳: ۱۳۷/۲). امام صادق علیه السلام نیز نیکی به برادران دینی و سعی در رفع حوائج شان را برخاسته از ایمان خالص می‌داند: «الإِيْمَانُ الْبِرُّ بِالْإِخْوَانِ وَالسَّعْيُ فِي حَوَائِجِهِمْ» (نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۴۰۸: ۱۴۰۸/۱۲).

بنابراین شرط پذیرش هر عملی، از جمله خدمت به مردم، اخلاص است و مؤمن باید به انگیزه جلب رضایت الهی خدمتگزار عیال الله باشد و هرچه ناخالصی در عمل بیشتر باشد، درجه مطلوبیت آن هم پایین‌تر خواهد آمد. علاوه بر دخالت اخلاص در اصل عمل چنانچه امام علی علیه السلام فرموده است: «لَا يَسْتَقِيمُ قَضَاءُ الْحَوَائِجِ إِلَّا بِثَلَاثٍ بِإِسْخَارِهَا لِتَعْظُمَ وَبِإِسْتِكْنَامِهَا لِتُظَهَّرَ وَبِتَعْجِيلِهَا لِتَهْنَأَ» (شریف رضی، نهج البلاغه، ۱۳۷۹: ۱۱۳۱). از دیدگاه امام جواد علیه السلام در تداوم اعمال نیز باید اخلاص جاری باشد. چه بسا عملی که انجام آن با خلوص است، ولی عامل به آن بعد از عمل، آن را به ریا و ناخالصی آلوده و از درجه



مقبولیت الهی ساقط می‌کند؛ لذا امام جواد (علیه السلام) فرمود: «الْإِثْقَاءُ عَلَى الْعَمَلِ أَشَدُّ مِنَ الْعَمَلِ؛ بقای بر عمل سخت تر از خود عمل است.» و آنگاه که پرسیدند بقای بر عمل یعنی چه؟ فرمود: «يَصِلُ الرَّجُلُ بِصَلَاةٍ وَيُنْفِقُ نَفَقَةً لِلَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ فَكَيْتَبَ لَهُ سِرًّا ثُمَّ يَذْكُرُهَا وَتُمَحَّى فَتُكْتَبُ لَهُ عَلَانِيَةً، ثُمَّ يَذْكُرُهَا فَتُمَحَّى وَتُكْتَبُ لَهُ رِيَاءً» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۲/۲۹۶)؛ مردی هدیه‌ای می‌دهد و برای خدای یگانه بی‌شریک انفاقی می‌کند، پس برایش به‌عنوان «عمل پنهانی» نوشته می‌شود. سپس او کارش را یادآوری می‌کند، در این وقت عنوان قبلی محو می‌شود و «عمل آشکار» برایش نوشته می‌شود. آن مرد دوباره عملش را یادآوری می‌کند پس عنوان قبلی محو می‌شود و برایش «عمل ریایی» نوشته می‌شود.»

۵. نتیجه

نظر به اهمیت یافتن جایگاه مفهوم سلامت معنوی در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، این نوشتار، شاخص‌های مدنظر رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب را استخراج و بر اساس آیات و روایات، به مستندسازی آنها پرداخت. یافته‌ها در سه محور شاخص‌های بینشی و گرایشی و کنشی به دست آمد:

- داشتن باور توحیدی نسبت به تمام امور و فعل و انفعالات هستی و افعال خداوند، سرچشمه شکل‌گیری گرایش توحیدی و به دنبال آن بروز کنش و رفتار توحیدی از انسان می‌شود. چنین باوری در صورتی که بر محور علم و عقل باشد باعث ایجاد معنا در زندگی می‌شود و در قبال آن آرمان‌ها، تعهد و مسئولیت‌سازی می‌کند و این برهان و استدلال است که افکار باطل را از زندگی دور می‌سازد و انسان را به واقعیت و یقین آشنا می‌سازد.

- باور فرد درباره خدا و جهان و ارزش‌ها و استانداردهای اخلاقی و مسائل زندگی، مانند بیماری و گرفتاری، بر اساس الگوهای معنوی دینی سبب می‌شود انسان در ارتباط با خدا، خود را فرع و خداوند را اصل ببیند، و خود را مظهري از چشمه حقیقت و صفات الهی بداند. بنابراین به‌راحتی خود را آلوده گناه نمی‌کند.

- شناخت جایگاه و ارزش خانواده، شاخص بینشی دیگری است که موجب می‌شود انسان به سمت تشکیل خانواده معنوی و توحیدی گام بردارد و بستری معنوی برای تربیت همه‌جانبه انسان و نسل بعد فراهم شود.

- دشمن‌شناسی، شاخصی است که به انسان کمک می‌کند از آسیب‌های معنوی گروه‌هایی که در جهت خلاف آهنگ توحید حرکت می‌کنند و قصد فساد در زمین دارند، رهایی یابد.

- باور به هدفمندی و معناداری طبیعت ناشی از شناخت طبیعت به مثابه موجودی زنده و ذی شعور است که همواره به تسبیح خدای متعال مشغول است. چنین نگاه قدسی به طبیعت موجب می شود انسان نیز در تعاملش با طبیعت، رویکردی الهی اتخاذ کند و از طبیعت از این جهت که مخلوق خداوند است سپاسگزاری کند. راه سپاسگزاری از طبیعت، استفاده صحیح از مواهب آن در جهت رشد و تعالی کمال انسانی خویش است.

- بندگی خداوند محصول کسب بینشی توحیدی و گرایش انسان به سمت خدا و دل بریدن از هر چه غیر خداست. چنین فردی مصداق حقیقی آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» است. شاخص دستگیری از نیازمندان، انسان معنوی را از انسان غیرمعنوی متمایز می کند. انسانی که از نظر معنوی در سلامت به سر می برد با دستگیری از نیازمندان، در حقیقت به پرورش ابعاد وجودی خود کمک کرده است؛ چراکه باور دارد با بخشیدن، بخشی از وجود خویش را کامل کرده است.



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعة المصطفی، انتشارات المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. احمدی‌فراز، مهدی، بیماری و بیداری، اصفهان: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی، ۱۳۹۵.
۳. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران: انتشارات دنیای دانش، ۱۳۸۲ ه.ق.
۴. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (www.khamenei.ir).
۵. تمیمی‌آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، محقق و مصحح: رجائی، سید مهدی، چ دوم، قم: دار الکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۶. حرعاملی، وسایل الشیعه، قم: موسسه آل‌البیت لإحياء التراث، ۱۴۱۲ ق.
۷. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۸. شریف الرضی، محمدبن حسین، ترجمه و شرح نهج البلاغة (فیض الإسلام)، چ پنجم، تهران: مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الإسلام، ۱۳۷۹ ش.
۹. صالحی‌امیری، رضا؛ محمدی، سعید، دیپلماسی فرهنگی، تهران: ققنوس، ۱۳۸۹.
۱۰. صالحی زاده، محمداسماعیل، محمدی، روح الله، نقش اعتدال والدین در سلامت روان فرزندان از منظر قرآن و روایات، فصلنامه قرآن و علوم اجتماعی، سال ۲، شماره ۱، ۱۴۰۱ ش.
۱۱. صدرالدین شیرازی (ملاصدرا)، محمدبن ابراهیم، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۳۷۱ ش.
۱۲. صدوق، محمدبن علی ابن بابویه، علل الشرایع، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ ق.
۱۳. صدوق، محمدبن علی ابن بابویه، التوحید، نشر دیجیتالی، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۴ ش.
۱۴. عمید، حسن، فرهنگ عمید، ج ۲، تهران: نشر مجید، ۱۳۸۹.
۱۵. فخر رازی، محمدبن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۱۶. قرائتی، محسن، گناه شناسی، تنظیم و نگارش محمد محمدی اشتهاردی، چ چهارم، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۷۰.
۱۷. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی (ط اسلامیه)، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.

۱۸. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۹. مصباح، محمدتقی، راهیان کوی دوست، شرح حدیث معراج (مشکات)، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۹۰.
۲۰. مطهری، مرتضی، نقدی بر مارکسیسم، تهران: صدرا، بی تا.
۲۱. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران: نشر زرین، ۱۳۸۶ ش.
۲۲. نراقی، جامع السعادات، ترجمه سیدجلال الدین مجتبی، چاپ دوم، تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۷۰.
۲۳. نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.
۲۴. واشیان، عباسعلی، شاخص های سلامت معنوی در سند سلامت، نشریه فرهنگ و ارتقاء سلامت، دوره ۱، ش ۱، ۱۳۹۶.
۲۵. ورام، مسعود بن عیسی، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام)، نجف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۴ ق.

References

1. Quran –e – *Karim (Th Holy Quran)*, Mohammad Ali Rezaei Esfahani and A Group of Professors from Al-Mustafa University, Al-Mustafa International Publications, Qom: 2nd Edition, 1388 SH (2009 CE).
2. Ahmadi Faraz, Mehdi, *Bimar-i va Bidari (Illness and Wakefulness)*, Esfahan: Esfahan University of Medical Sciences and Health Services, 1395 SH (2016 CE).
3. Ameer, Hassan, *Farhang Ameer (Ameer's Lexicon)*, Vol. 2, Tehran: Majid Publications, 1389 SH (2010 CE).
4. Dehkhoda, Ali Akbar, *Lughat-nameh Dehkhoda (Dehkhoda's Lexicon)*, 2nd Edition, Tehran: Tehran University Publications, 1377 SH (1998 CE).
5. Fakhr Razi, Mohammad bin Omar, *Mafatih al-Ghayb (Keys to the Unseen)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1420 AH (1999 CE).
6. Hurr Ameli, *Wasael al-Shi'a (Means of the Shia)*, Qom: Al al-Bayt Institute for Preservation of Heritage, 1412 AH (1991 CE).
7. Kulayni, Muhammad bin Ya'qub, *Al-Kafi (Islamiya Edition)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah, 1407 AH (1986 CE).
8. Majlisi, Muhammad Baqer, *Bihar al-Anwar (Seas of Lights)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1403 AH (1982 CE).
9. Mesbah, Mohammad Taqi, *Rahiyane Kooye Dost, Sharhe Hadis Meraj (Meshkat) (The Pathways of Friendship, Commentary on the Meraj Hadith)*, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute, 1390 SH (2011 CE).
10. Moein, Mohammad, *Farhang-e Moein (Moein's Dictionary)*, Tehran: Zarrin Publication, 1386 SH (2007 CE).
11. Motahhari, Morteza, *Naqdi bar Marxisme (Critique of Marxism)*, Tehran: Sadra, n.d.
12. Salehizadeh, Mohammad Esmaeil; Mohammadi, Rouhollah, *Naqsh-e E'tedal Wlida'in dar Salamat-e Ravani-e Farzandan az Manzar-e Quran va Rivayat (The Role of Parents' Moderation on the Mental Health of Children from the Perspective of the Quran and Narrations)*, Faslname-ye Quran va Olum-e Ejtemai (Quran and Social Sciences Quarterly), Year 2, No. 1, 1401 SH (2022 CE).
13. Naraqi, Jami' al-Saadat, *Translation by Sayyid Jalal al-Din Mojtavavi*, 2nd Edition, Tehran: Hekmat Publication, 1370 SH (1991 CE).
14. Nuri Tabarsi, Hossein, *Mustadrak al-Wasail wa Mustanbat al-Masail (Supplement to the Means and Derivation of Issues)*, Beirut: Al al-Bayt Institute for Preservation of Heritage, 1408 AH (1987 CE).
15. Payande, Abolqasem, *Nahj al-Fasahah (The Path of Eloquence)*, Tehran: World of Knowledge Publications, 1382 AH (2003 CE).

16. Qara'ati, Mohsen, *Gunah Shinasi (Sinology)*, Organized and Edited by Mohammad Mohammadi Eshtehardi, 4th Edition, Payam Azadi Publications, 1370 SH (1991 CE).
17. Sadr al-Din Shirazi (Mulla Sadra), Mohammad bin Ibrahim, *Al-Hikmah al-Muta'aliyah fi al-Asfar al-Aqliyyah al-Arba'ah (The Transcendent Philosophy in the Four Intellectual Journeys)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1371 SH (1992 CE).
18. Saduq, Muhammad bin Ali Ibn Babawayh, *Al-Tawhid (The Unity)*, Digital Edition, Esfahan: Qaemiyya Esfahan Computer Research Center, 1394 SH (2015 CE).
19. Saduq, Muhammad bin Ali Ibn Babawayh, *Ilal al-Shara'i (Reasons for the Religious Laws)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah, 1390 AH (1970 CE).
20. Salehi Amiri, Reza; Mohammadi, Saeed, *Diplomasi Farhangi (Cultural Diplomacy)*, Tehran: Ghoghnoos Publication, 1389 SH (2010 CE).
21. Sharif al-Razi, Mohammad bin Hossein, *Tarjomeh va Sharh Nahj al-Balaghah (Feiz al-Islam) (Translation and Explanation of Nahj al-Balaghah)*, 5th Edition, Tehran: Faez al-Islam Institute for Publication and Printing, 1379 SH (2000 CE).
22. Tammimi Amadi, Abdul Wahid bin Muhammad, *Ghorar al-Hikam wa Durar al-Kalam (Nuggets of Wisdom and Pearls of Speech)*, Edited and Corrected by: Raja'i, Seyyed Mahdi, 2nd Edition, Qom: Dar al-Kitab al-Islami, 1410 AH (1989 CE).
23. Varram, Masoud bin Isa, *Tanbih al-Khawatir wa Nuzhat al-Nawazir (Majmoo'eh Varam) (Admonition of the Hearts and Delight of the Observers)*, Najaf: Al-Maktabah al-Haidariyyah, 1384 AH (1964 CE).
24. Vashian, Abbas Ali, *Shakhse Haye Salamat Manevi dar Sanad-e Salamat (Spiritual Health Indicators in the Health Document)*, Journal of Culture and Health Promotion, Vol. 1, No. 1, 1396 SH (2017 CE).